

سرشناسه: کین، دونالد، ۱۹۲۲ - م.

Keene, Donald

عنوان و نام پدیدآور:

میچی، امپراتور ژاپن و دنیای او (۱۸۵۲-۱۹۱۲):

نگاهی به جریان تجدد و تعالی ژاپن با مرور زندگینامه امپراتور میچی /
دونالد کین؛ تلخیص و ترجمه هاشم رجبزاده.

مشخصات نشر:

تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهري: ۳۷۰ ص.

فروست: تمدن و فرهنگ: ۵.

شابک: ۹۷۳۲-۹۲-۶۰۰-۶۷۳۲.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت:

کتاب حاضر ترجمه فشرده‌ای از این کتاب است:

Meiji: Emperor of Japan and His world

عنوان دیگر:

نگاهی به جریان تجدد و تعالی ژاپن با مرور زندگینامه امپراتور میچی.

موضوع: میچی، امپراتور ژاپن، ۱۸۵۲ - ۱۹۱۲ م.

موضوع: Meiji, Emperor of Japan

موضوع: ژاپن -- تاریخ -- دوره میچی، ۱۸۶۸ - ۱۹۱۲ م.

موضوع:

Japan -- History -- Meiji period, 1868-1912

شناسه افزوده: رجبزاده، هاشم، ۱۳۲۰ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۶۹/۷/۸۸ DS

رده‌بندی دیوبی: ۹۰۹۱۰/۰۳۱۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۱۶۸۳۲

میجی، امپراتور ژاپن

و دنیای او (۱۸۵۲-۱۹۱۲)

نگاهی به جریان تجدّد و تعالیٰ ژاپن
با مرور زندگی نامه امپراتور میجی

دونالد کین

تلخیص و ترجمة
هاشم رجبزاده

چاہ کاپ

این کتاب ترجمه فشرده‌ای است از اثر زیر:

Donald Keene

Emperor of Japan: Meiji and His World, 1852-1912

(Columbia University Press, 2002)

انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری

چاہنگاب

میجی، امپراتور ژاپن
و دنیای او (۱۸۵۲-۱۹۱۲)

دونالد کین

تلخیص و ترجمه

هاشم رجبزاده

چاہنگاب اول: ۱۳۹۷

تعداد: ۵۵۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

تهران. صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۷۷۶۵

تلفن: ۶۶۹۶۸۰۹۷-۸

email: info@jahanekeatab.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۲-۹۲-۳

۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۸۲	۱۸۷۰	سال	۷	مقدمه ترجمه فارسی
۸۳	۱۸۷۱	سال	۱۷	محیط بار آمدن میجی
۹۴	۱۸۷۲	سال		
۹۹	۱۸۷۳	سال	۲۳	۱۸۵۲
۱۰۸	۱۸۷۴	سال	۲۳	۱۸۵۳
۱۱۴	۱۸۷۵	سال	۲۷	۱۸۵۴
۱۱۸	۱۸۷۶	سال	۲۹	۱۸۵۵
۱۲۴	۱۸۷۷	سال	۲۹	۱۸۵۶
۱۳۴	۱۸۷۸	سال	۳۲	۱۸۵۷
۱۴۲	۱۸۷۹	سال	۳۴	۱۸۵۸
۱۵۳	۱۸۸۰	سال	۳۶	۱۸۵۹
۱۰۷	۱۸۸۱	سال	۳۹	۱۸۶۰
۱۷۱	۱۸۸۲	سال	۴۰	۱۸۶۱
۱۷۸	۱۸۸۳	سال	۴۱	۱۸۶۲
۱۸۱	۱۸۸۴	سال	۴۱	۱۸۶۳
۱۸۵	۱۸۸۵	سال	۴۴	۱۸۶۴
۱۸۹	۱۸۸۶	سال	۴۷	۱۸۶۵
۱۹۲	۱۸۸۷	سال	۵۰	۱۸۶۶
۱۹۵	۱۸۸۸	سال	۵۱	۱۸۶۷
۱۹۷	۱۸۸۹	سال	۶۵	۱۸۶۸
۲۰۱	۱۸۹۰	سال	۷۷	۱۸۶۹

۲۸۴	سال ۱۹۰۳	۲۰۸	سال ۱۸۹۱
۲۹۰	سال ۱۹۰۴	۲۱۷	سال ۱۸۹۲
۳۰۶	سال ۱۹۰۵	۲۲۱	سال ۱۸۹۳
۳۱۴	سال ۱۹۰۶	۲۲۴	سال ۱۸۹۴
۳۱۹	سال ۱۹۰۷	۲۴۱	سال ۱۸۹۵
۳۲۳	سال ۱۹۰۸	۲۵۰	سال ۱۸۹۶
۳۲۵	سال ۱۹۰۹	۲۵۴	سال ۱۸۹۷
۳۳۱	سال ۱۹۱۰	۲۵۷	سال ۱۸۹۸
۳۳۷	سال ۱۹۱۱	۲۶۲	سال ۱۸۹۹
۳۴۲	سال ۱۹۱۲	۲۶۴	سال ۱۹۰۰
۳۵۳	تصویرها	۲۷۲	سال ۱۹۰۱
		۲۷۹	سال ۱۹۰۲

مقدمهٔ ترجمهٔ فارسی

چند سالی پیش مدیر فاضل و فرهیخته نشر «جهان کتاب»، آقای مجید رُهبانی، که پیش‌تر و به معرفی مهرآمیز دوست دانشورم آقای کامیار عابدی چاپ تازه و آراسته‌ای از کتاب گل صدبرگ (ترجمهٔ یکصد قطعه برگزیده از مانیوشو، کُهن‌ترین مجموعهٔ شعری ژاپن) انتشار داده بودند، پیشنهاد کردند که نگارش تازه‌ای از بخش تاریخ تجدّد ژاپن و رویدادهای دوره امپراتور میجی از کتاب تاریخ ژاپن که چند ده سال پیش تالیف شده بود فراهم آورم. این پیشنهاد برایم شوق‌انگیز و نیروبخش بود، و کوشیدم تا مقدمه و زمینه کار را به بهترین راه آماده کنم، و به جُست‌وجوی منابع تازه برای این دوره مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ ژاپن - که رویدادهای آن بی‌گمان ترکیب و گردش کار جهانی را که امروز می‌بینیم شکل داده است - برآمدم. در جست‌وجوی منابع و تأثیف‌های تازه درآمده یا از نظر دورمانده، به کتابی بسیار ارزنده نوشه‌دانالد کین^۱، ژاپن‌شناسی شهر و استاد ممتاز دانشگاه گُلمبیا، برخوردم؛ و این اثر را چنان غنی و سرشار یافتم که حیفم آمد که آن را با نوشه‌ها و نقدهای دیگران - که اهمیت و کیفیت یکسان هم ندارند - بیامیزم. از سویی هم این اثر در شکل و شیوه تدوین با تأثیف‌های دیگر متفاوت است، به روش تاریخ‌نگاری قدیم ژاپن مرتب شده و رویدادهای دوره زندگانی و پادشاهی میجی را به ترتیب تاریخی بازگفته است و برای هر سال فصلی جداگانه دارد. بهتر دیدم که ترجمهٔ فارسی این اثر به صورت کتابی مستقل آماده شود، و مکملی برای کتاب تاریخ تجدّد ژاپن (برگرفته از بخش میانی تاریخ ژاپن، نگاشته این قلم و منتشر شده در سال ۱۳۶۵) باشد. این فکر را با ناشر فرزانه در میان نهادم، و با حُسن نظر استقبال کردند و مشوقم شدند. دلگرم و بی‌اعتنای به این که این طرح تازه تلاش و زمانی فزون‌تر می‌خواهد، کار را دنبال کردم. این دو کتاب (نگارش تازه تاریخ تجدّد ژاپن، و ترجمهٔ کوتاه شده تاریخ‌نامه امپراتور میجی) سه سال پیش آماده شد، که این خود آغاز

آرایش و پیرایش کتاب به سبک و شیوه «جهانِ کتاب» بود. چند هفتة پیش پیام مهرآمیز و مژده جان‌افرا رسید که دو کتاب آماده گذراندن مراحل نشر است، و خواسته بودند که مقدمه‌ای «هرچند کوتاه و در یک صفحه» برای هر یک از کتاب‌ها نوشته شود. پیاست که معرفی هر یک از دو کتاب در یک صفحه نمی‌گنجد و با آن که ذهن و فهم نگران و درگیر مقاله و کتابی دیگر بود، به نوشتن پیش‌سخنی برای این دو کتاب پرداختم و کوشیدم که سخن هرچه کوتاه‌تر باشد اما حیفم آمد که مروری کوتاه به بخش‌ها و بهره‌هایی از این اثر در مقدمه نیاید.

*

در سال‌های دهه ۱۸۵۰ پیشامدها و بلاهای طبیعی سخت روی می‌داد. روابط ژاپن با ممالک خارجی هم پُرالتهاب بود.

در سال ۱۹۵۳ ناونگانی به رهبری ناخدا پری امریکایی که می‌خواست دروازه‌های ژاپن را به روی تجارت بگشاید در آب‌های ساحلی ژاپن پیدا شد؛ و حکومت سپهسالاری (شوگون) در ۳۱ مارس ۱۸۵۴ پیمان کانگاوا را بی مشورت امپراتور با امریکا امضا کرد. در نوامبر ۱۸۵۴ کشتی جنگی روس به خلیج اوساکا رسید؛ و در سال ۱۸۵۶ تاونزند هریس، وزیر مختار امریکا، با کشتی جنگی به شیمودا آمد و در این بندر مستقر شد. روز ۱۳ مارس ۱۸۶۱ ناو جنگی تندرو روسی در جزایر تسویشما میان گره و ژاپن پهلو گرفت. مقاومت‌ها در داخل ژاپن فزاینده بود. روز ۵ ژوئن ۱۸۶۰ چهارده رونین (سامورانی امیر از دست داده) از ایالت میتو به سفارتخانه بریتانیا در ادو (توکیو کنونی) پایتخت شوگون حمله کردند. از سوی دیگر امیر ایالت هاگی نماینده‌ای به کیوتو نزد امپراتور فرستاد و درخواست کرد که دربار ژاپن به سیاست انزوای کشور پایان دهد. امپراتور کوئی پذیرفت؛ اما موافق تقویت نیروی نظامی ژاپن بود، و قطعه‌ای تانکا (شعر پنج بندی ۳۱ هجاتی) در این باره سرود. اکنون مشغله عمده ذهنی دربار تصمیم به قبول یا رد درخواست شوگون برای وصلت با کارو نومی یا (چیکاکو نومی) یا خواهر کوچک‌تر کوئی بود (عروسي سرانجام در ۱۱ مارس ۱۸۶۲ سرگرفت). شورشیان در کیوتو که مخالف این وصلت بودند چند مقام درباری، از آن میان ایواکُورا تومومی، را در حصر خانگی نهادند. کوئی همچنان اصرار داشت که شوگون یا فرمانروای لشکری ژاپن در اجرای سیاست چندصد ساله «سوتو جوی» (احترام به امپراتور و راندن وحشیان) همه خارجی‌ها را از ژاپن بیرون کند. مقام‌های حکومت سپهسالاری از فرونشاندن آشوب و ناآرامی‌ها که پیوسته گستردگر می‌شد ناتوان ماندند؛ و در بهار سال ۱۸۶۳ شوگون، توکوگاوا یه‌موچی، برای نخستین بار به کیوتو و نزد امپراتور رفت و همان روز از شاهزاده مُتسُوهیتو (میجی بعدی) هم دیدن کرد. فکر از میان برداشتن

نظام سپهسالاری و بازگرداندن قدرت حکومت به امپراتور میان شماری از درباریان پیدا شده بود، و هرچه می‌گذشت شمار بیشتری از امیران ولایات (دایمیو) هم با این فکر همراه می‌شدند.

در این احوال چارلز ریچاردسون انگلیسی با سه همراه خود سواره به موكب امیر شیمیزو هیرایتسو، دایمیو ایالت ساتسوما، رسید و بی‌اعتنای گذشت. ملازمان امیر ساتسوما این رفتار او را اهانتی غیرقابل گذشت شناختند، و ریچاردسون را درجا کشتبند. دولت بریتانیا خواهان غرامت و جبران وضع از حکومت شوگون و امارت ساتسوما هر دو شد.

روز ۹ ژوئن ۱۸۶۳ شوگون به دربار گزارش داد که خارجی‌ها روز ۲۴ این ماه اخراج خواهند شد. در این روز و پس از آن از ساحل ایالت چوشو چند کشتی امیرکایی و فرانسوی و هلندی را به توب بستند. امپراتور پیام تیریک فرستاد، و دولت‌های خارجی به مقابله برآمدند. آشوب و آشتفتگی کارها و شورش گروههای ناراضی و مردان سامورانی روزافزون بود. امپراتور کوئی هم همیشه از اوضاع شکایت داشت و در شعری تمایل خود را به کناره‌گیری بازگفت.

توکوگاوا یه‌موجی روز ۱۹ سپتامبر ۱۸۶۶ در ۲۱ سالگی به مرگی ناگهانی درگذشت. اندک زمانی پس از آن (روز ۳ فوریه ۱۸۶۷) امپراتور کوئی در ۳۷ سالگی چشم از جهان فروبست. مرگ او را مشکوک شناخته‌اند.

*

مُوتُسوهیتو روز برتختی به تخت چهل تانکا سرورد. شوق شعرسروden نمایان‌ترین میراثی بود که از پدرش امپراتور کوئی داشت. کوئی همیشه او را نزد خود می‌خواند و شعر گفتن می‌آموخت. ساچی نو می‌باشد (شاھزاده ساچی)، نامی که میجی در کودکی به آن خوانده می‌شد) در شش سالگی شعری سرورد؛ نخستین قطعه از یکصد هزار تانکا که از او بازمانده است.

در راه سفرش از کیوتو به توکیو در روز ۲۰ نوامبر ۱۸۶۸ کوه فوجی را نخستین بار دید و از ملازمانش خواست که تا تخت روان او به توکیو می‌رسد هر یک قطعه‌ای تانکا در وصف آن بسرایند. باری دیگر، در راه یوکوهاما، به دیدن کوه فوجی از دور سه تانکا در وصف آن سرورد. نیز، از شعرهایی که گفته پیداست که از سفر دریا واهمه داشت. در شعری هم آرزو کرد که روزنامه‌ها دروغ ننویسنند (سال ۱۸۹۹).

میجی در روز ۱۹ فوریه ۱۸۶۹ در نخستین مجلس شعرخوانی نوروزی دوره پادشاهی خود حضور یافت. او قطعه‌ای تانکا در وصف «نسیم بهاری که بر دریا می‌و زد» ساخته بود. گاهی که سرحال بود قطعه‌هایی از نمایش نوء را به آواز می‌خواند و به ندیمه‌هایش هم یاد

داده بود که بخوانند. در سفری به نیکو (شهر بیلاقی در شمال غرب توکیو) از همراهانش خواست که در باره هشت منظرة معروف آنچا شعری بسرایند. در سفرهای او به گوشه و کنار ژاپن، مردمی که کنار راه در انتظار دیدن وی ایستاده بودند هر یک شعری ساخته بودند به این امید که فرصتی بیابند و برای امپراتور بخوانند. هنگامی که در بهار ۱۸۹۰ به کیوتو رفت و شکوفه‌های گیلاس را بر درخت‌ها دید تانکایی در وصف زیبایی آنها سرود شادی خود را از پیروزی ژاپن در جنگ با روس با قطعه‌ای تانکا نشان داد. در نوروز سال ۱۸۹۵ (در میانه جنگ با چین) میجی از یکی از درباریان خواست که بهره‌هایی از کتاب داستان‌های هی که‌ای را (که برای ژاپنی‌ها جایگاه شاهنامه را نزد ما ایرانیان دارد) برایش بخواند. در میانه احوال پُرآشوبِ درگیری‌ها در قیام ساتسوما هم شعری در وصف زیبایی ماه سرود. فردای مرگ سایگو در پی شکست شورش کاگوشیما و شکسته شدن محاصره قوای دولتی در قلعه گوماموتو (سال ۱۸۸۷)، از ملکه خواست تا یک تانکا درباره سایگو تاکاموری بسازد. ملکه نیز خود پس از دیدن منور اژدرافکنی ناوگان ژاپن، قطعه هایکوی «اژدرافکنی» را ساخت. در سال ۱۸۸۷ هم دو شعر از سوی ملکه ارمغان مدرسه دختران اشراف شد.

دیگران نیز در عصر پادشاهی میجی حال و احساس خود را به شعر بازمی‌نمودند. ضارب اوکوبو (از بزرگان دولت میجی) پیش از ترک زادگاه خود، کانازارا، و روانه شدن به توکیو برای این سوءقصص دو شعر سرود؛ و وزیر کشور در اصرار بر استعفای خود قطعه‌ای تانکا ساخت (سال ۱۸۹۲).

*

برنامه آموزش امپراتور نوجوان از بزرگ‌ترین نگرانی‌های اطرافیان او و بزرگان دربار بود. میجی از آغاز تمایل خود را به حضور در همه کارهای حکومت نشان داد. در سال ۱۸۶۹ کیدو، از بزرگان دربار، به درخواست مریبان امپراتور از او خواست که در تحصیل دانش نیز جدیتی شایسته تبار آسمانی خود نشان دهد. پس از چندی، به معزفی موری آرینوری، وزیر فرهنگ، موتودا معلمی او را عهده‌دار شد؛ و در سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۹۱ همچنان او را تعلیم می‌داد. اندیشه و بینش موتودا اثری شگرف در بارآمدن ذهن و شیوه نگرش میجی به احوال و امور داشت. موتودا معتقد بود که دانش و حقیقت را باید در کتاب‌های ششگانه (آثار کلاسیک ادب چین) جُست، نه در جای دیگر؛ و مغرب‌زمین در روابط انسانی چیزی آموختنی ندارد و فقط علوم جدید را باید از آنجا گرفت. عقیده به اصالت علم غربی و اخلاقیات شرقی در میجی نتیجه آموزش موتودا بود. موتودا برای سهم و تأثیرش در تدوین منشور یا فرمان سلطنتی آموزش سال ۱۸۹۰ نیز معروف و ممتاز است.

مشاوران میجی حتی در میانه آشوب و ناآرامی پیامدِ محاصره قشون دولتی در قلعه گوماموتو (سال ۱۸۷۷) همچنان در تدبیر و تلاش بودند که میجی کار تحصیل خود را دنبال کنند.

امپراتور در سفرش به یاماگاتا، آکیتا و هوکایدو (تابستان ۱۸۸۱) شب‌ها را در دیستان‌ها می‌ماند. داشش آموزان انشای خود را در معرفی مباحث ادب چین یا آثار کلاسیک ژاپن برای او می‌خواندند، و او به بسیاری از آنها جایزه می‌داد؛ یعنی، کتاب‌های فرهنگ لغات. میجی که از سفر شمال به توکیو برگشت، ایواکُورا از بزرگان دولت خود را- که حق تربیت نیز بر گردن امپراتور داشت- خواست و گفت که باسته است که اساس تحصیل در مدرسه بر اخلاقیات قدیم گذاشته شود.

یگانه پسر میجی که هفت ساله شد (سال ۱۸۸۵) نیز مسئله آموزش او همه بزرگان دربار و دولت را نگران داشته بود. میجی سهم چندانی در آموزش دادن به ولیعهدش نداشت، حال آن که پدرش هر روز به او تانکا سروdon می‌آموخت.

*

میجی را برای حافظه کم‌نظریش ستوده‌اند اما پویایی ذهن او محدود بود. مانند هر انسان دیگر، ضعف‌نفس‌هایی هم داشت. آمیزه‌ای از حکمرانی دیرپایی و جدیت در کار و احساس مسئولیت میجی را درخشنان‌ترین فرمانرو در تاریخ ژاپن ساخته است. در نخستین سال‌های پادشاهی اش اعلامیه‌ای به نام او صادر شد گویای این که اداره تاریخ در دربار ایجاد شده است تا تاریخ بازنگری شده‌ای برای ژاپن تألیف کند.

در قضایای دشوار سال ۱۸۷۵، استحکام موضع و استواری میجی نشان داد که دوره بی‌تجربگی جوانسالی او سرآمد است. اعتراض‌پذیری میجی از فضیلت‌های دیگر او بود، و ساده‌زیستی اش همه را به تحسین وامی داشت. در راه سفرش در تاکانو چند شیرینی محلی خرید، و با شیرینی و میوه‌های ناگانو برای ملکه و ملکه‌مادر ارمغان فرستاد. این که سوقات‌ها را به رایگان نگرفت او را از شاهان اروپایی ممتاز می‌کند. گاه هم برای تمجید و تھبیب به خانه بزرگان دربار و دولت می‌رفت، و در این مناسبت‌ها برایشان هدایای نفیس می‌برد و پاداش نقدی شایسته‌ای به آنها می‌داد. در شرح حال و رفتار شاهان قاجار، شخصوص ناصرالدین‌شاه که با میجی هم عصر بود و یک عمر پادشاهی کرد، خوانده‌ایم که به خانه هر یک از بزرگان دولت و والیان و حاکمان بازگشته از مأموریت که می‌رفت صاحبخانه ناگزیر بود که مبلغی گراف حق‌القدم تقدیم کند و قراول و یساول و فراشان شاهی هم خانه میزان را غارت می‌کردند.

آرمسترانگ، درباری همراه شاه هاوایی در سفرش به دور دنیا، در وصف سیمای میجی نوشته است که چشم‌هایی نافذ داشت «که نشان می‌داد که او کسی نیست که اختیار کار خود را یکسره در دست وزیرانش بگذارد». مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) که در سفر به ژاپن همراه میرزا علی اصغرخان اتابک (امین‌السلطنه) روز ۲۰ دسامبر ۱۹۰۳ نزد امپراتور میجی بار یافت درباره او نوشته است: «پادشاه به اتابک و همراهان دست داد... و تا ما از اتاق خارج نشده بودیم سیخ سرِ جای خود ایستاده بود... . پادشاه مردی خوش‌اندام و خوش‌سیما بود؛ چشم و ابرو و موی سیاه داشت؛ پیچیدگی چشم ظاهر نبود؛ و رنگ بشه رسبزه تند بود. قیافه جازم و جاذب داشت. گفتند هشت سال است که پادشاه در تقاض تصریف روس‌ها پُرت آرتور را از قصر خود بیرون نرفته است، و آنی از صرافت تدارک بیرون نیست».^۱

میجی با هوشمندی و دقّت نظر و ذهن باز، سران و مشاوران و کارگزاران دولت و دربار خود را خوب می‌شناخت و به ضعف و قوت‌های هریک آگاه بود و از روحیه و رفتار هرکدامشان شناختی درست و دقیق یافته بود. در میانشان، آن‌که به راستی مورد اعتمادش بود ایتو هیروبومی بود.

خلفیات خاص خود را نیز داشت. دوست نداشت که از او عکس بگیرند، و به طبیانی که عهده‌دار حفظ تدرستی و درمان ناخوشی‌اش بودند اعتماد نداشت. نمی‌گذاشت که حتی خیاطانی که برایش لباس می‌دوختند به تنش دست بزنند و اندازه‌اش را بگیرند. روزی در سال ۱۸۹۷ که از سفری به کیوتو به توکیو بر می‌گشت، ناگهان گفت که می‌خواهد ۲۰ دقیقه دیرتر از ساعت معین شده در برنامه قطار به راه بیفتد؛ و هنگامی که وزیر ارتباطات به عرض رساند که در این وضع برنامه قطارها در سراسر ژاپن به هم می‌خورد به او پرخاش کرد. این رفتارها را می‌توان خلاف عادت و تقتی در گریز از یکنواختی دانست.

*

نویسنده این کتاب، دونالد کین استاد ممتاز دانشگاه کلمبیا و پژوهنده شهر ادب و تاریخ و فرهنگ ژاپن، در سال ۱۹۲۲ در نیویورک به دنیا آمد. در مصاحبه‌ای گفته است که یکی از حدود هزار جوان در حال خدمت نظام بود که ارتش امریکا آنها را برای کار متوجه ژاپن آموزش می‌داد، و نخستین بار در دسامبر سال ۱۹۴۵ - چند ماه پس از تسليم ژاپن و پایان جنگ - سفری یک هفت‌های به ژاپن کرد و سپس او را به چین فرستادند تا در گفت‌وگوهای

۱. بهره ژاپن از سفرنامه تشریف به مکه معمّظمه از طریق چین - ژاپن - امریکا، به کوشش هاشم رجب‌زاده، (تهران: طهوری، ۱۳۸۹)، ص. ۳۹.

امریکایی‌ها و ژاپنی‌های لشکری و کشوری حاضر در آنجا مترجمی کند. با ترفندی توانست پس از چهار ماه باز به ژاپن بیاید و چندی در یوکوسوکا، پایگاه امریکا در نزدیکی یوکوهاما، بماند. او برای سوم بار در سال ۱۹۵۳، اکنون برای ادامه تحصیل در دانشگاه کیوتو، به ژاپن آمد، هنگامی که فقر از سر و روی شهر می‌بارید؛ اما خود را به دیدن آثار فراوان تاریخی و هنری ژاپن در آنجا دلخوش داشت. از آن پس بارها به ژاپن آمد و پژوهش درباره ادب و تاریخ و فرهنگ ژاپن را پی‌گرفت و کتاب‌های بسیار نوشت، که از آن میان است زندگی‌نامه امپراتور میجی که اکنون به فارسی درآمده است، و نیز ترجمه‌ای روان و فاخر به انگلیسی از تسووره ژووِه گوسا از آثار معروف ادب قدیم ژاپن که سال‌ها پیش به فارسی درآورده‌ام و به نام گلستان ژاپنی منتشر شده است.^۱ در سال ۲۰۰۸ از دولت و امپراتور ژاپن «نشان فرهنگ» گرفت. این نشان به دانشورانی اعطا می‌شود که خدمات برجسته و شایان به ادب و فرهنگ ژاپن کرده‌اند. در پی زمین‌لرزه بزرگ شرق ژاپن در روز ۱۱ مارس ۲۰۱۱ بر آن شد که مانده عمر را در اینجا بگذراند؛ و پس از بازنیسته شدن از کار تحقیق و تدریس در دانشگاه کلمبیا به ژاپن آمد و ملیت این کشور را گرفت و در اینجا اقامت دائم اختیار کرد.

هاشم رجب‌زاده

اوساکا، ۲۱ مرداد ۱۳۹۶

۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲.